



علی رضی الله گفت: با فاطمه رضی الله عنها ازدواج کردم؛ گفتم: ای رسول خدا، به من اجازه‌ی ورود نزد فاطمه بدهید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «چیزی [به عنوان مهریه] به او بده». گفتم: چیزی ندارم. فرمود: «زره حُطْمَى ات کجاست؟». گفتم: آن را دارم. فرمود: «آن را به فاطمه بده».

از ابن عباس رضی الله عنهم روایت است که علی رضی الله گفت: با فاطمه رضی الله عنها ازدواج کردم؛ گفتم: ای رسول خدا، به من اجازه‌ی ورود نزد فاطمه بدهید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَعْطِهَا شَيْئًا»؛ «چیزی [به عنوان مهریه] به او بده». گفتم: چیزی ندارم. فرمود: «فَأَيْنَ دِرْعُكَ الْحُطْمَى؟»؛ «زره حُطْمَى ات کجاست؟». گفتم: آن را دارم. فرمود: «فَأَعْطِهَا إِيمَانًا»؛ «آن را به فاطمه بده». [صحيح است] [به روایت نسائی - به روایت ابو داود - به روایت احمد]

در این حدیث آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم پسر عمومی خود علی بن ابی طالب رضی الله عنہ را به ازدواج دخترش فاطمه رضی الله عنہا درمی آورد؛ و به علی رضی الله عنہ امر می کند مهریه ای به همسرش بدهد تا به این ترتیب دل او را به دست آورده و تمایل خود را به او نشان دهد، اما چون علی رضی الله عنہ چیزی به این منظور نزد خود نمی یابد، رسول الله صلی الله علیه وسلم از او در مورد زره اش می پرسد تا آن را به عنوان مهریه به فاطمه رضی الله عنہا بدهد. هرچند چیز اندکی به حساب می آمد. و اینکه فرمود: «الْحُطْمَى» یعنی منسوب به قبیله‌ی حطمة بن محارب یکی از شاخه‌های عبدالقيس که زره می ساختند.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/58104>



النجاة الخيرية  
 ALNAJAT CHARITY

